

چکیده

برغم آنکه تاکنون پیرامون ابعاد و ارکان و اجزا معماری بسیار نوشته اند اما هنوز و همچنان درخصوص آن سخن بسیار است. معماری در بستر تاریخی خود خدمات بسیاری به نوع انسان رواداشته اما به نظر می رسد یکی از مهم ترین آنها انگیزه سازی برای اندیشیدن انسان بوده است. معماری با تردید آغاز شد نه با یقین. از همان دم نخست که انسان شک کرد که در این غار سکونت کند یا در آن غار. این عبارت تمثیلی، مبین مهم شماره شده شدن فضا برای اوست. انسان به وسیله معماری، به نسبت خود با فضای سکونتی خویش اندیشیده است. با این همه یکی از مهم ترین مباحثی که تاکنون وجهه عنایتی کمتری به آن شده این بوده است که انسان از پنجره معماری نیز به هستی اندیشیده و فهم معمارانه ای از جهان داشته است.

از جمله دلایلی که می تواند به انبساط و اقتدار معماری بینجامد توجه به بازتعریف ژرف و در عین حال گسترده بن مایه های نظری معماری است. باید فرصت ها- و بلکه فراست هایی را ایجاد کرد تا بتوان واژگان کلیدی معماری را متناسب با عصر جدید و برآمده از درایت هایی حکیمانه بازخوانی نمود.

این مقاله که به روش مطالعات توصیفی تحلیلی نگاشته شده می کوشد تا حوزه های اندیشه آفرین و تفکرزای معماری را تنویر و تبیین کند. نتایج این مقاله نشان داده است که معماری نه تنها ظرف زیست متعارف انسان بوده بلکه ظرف زیست فکری او نیز به شمار رفته است.

کلیدواژگان : مبانی نظری، اندیشه، سکونت، استقرار، نیاز، تمدن